

Critique and Analysis of the Most Influential Quranic Tafsir Trends in Contemporary Iran with a Social Approach

(Received: 2025-07-12 Acceptance: 2025-09-22)

Mahdy Kahaky ¹, Mahmoud Karimii ²

Abstract

Tafsir (contemplative interpretation) of the Holy Quran, as a key method of engaging with the Quran, has become a prominent approach in understanding and applying Quranic teachings in contemporary Iran, particularly after the Islamic Revolution. The Quran's emphasis on tafsir, as seen in verses like "A blessed Book which We have revealed to you, that they may reflect upon its verses" (Sad/29), has led to the emergence of diverse tafsir trends in Iran. These trends, each with distinct methodologies and perspectives, particularly in the social dimension, have promoted understanding and application of the Quran. This study aims to critically analyze six prominent tafsir trends in contemporary Iran with a social approach, examining their characteristics, strengths, and shortcomings in promoting social understanding and practice of the Quran. Employing a descriptive-analytical method, data were collected through library resources and field surveys, including interviews with key figures. Findings indicate that these trends have achieved successes in areas such as integration with social sciences, public promotion, and structured education. However, significant shortcomings, including neglect of hadith, weak social reasoning, lack of practical solutions, and insufficient emphasis on social practice, pose major obstacles to the development of socially oriented Quranic tafsir. By critiquing these trends and offering practical recommendations, this study seeks to strengthen the social approach to tafsir for deeper societal impact and alignment with socially oriented Quranic contemplation.

Keywords: Quranic Tafsir, Socially Oriented Tafsir, Social Understanding of the Quran, Quranic Practice, Contemporary Tafsir Trends

مطالعات قرآنی
و تفاسیر

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

1. PhD Student, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. mahdykahaky@gmail.com

2. Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. karimiimahmoud@gmail.com



نقد و تحلیل مهم‌ترین جریان‌های تدبری قرآن در ایران معاصر با رویکرد اجتماعی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۳۱)

مهدی کهکی^۱

محمود کریمی بنادکوکي^۲

چکیده

تدبر در قرآن کریم، به عنوان یکی از کلیدی‌ترین روش‌های انس با قرآن، در ایران معاصر به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، به رویکردی برجسته در فهم و عمل به معارف قرآنی تبدیل شده است. تأکید قرآن بر تدبر در آیاتی مانند «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» (ص/ ۲۹)، زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌های متنوع تدبری در ایران شده که هرکدام با روش‌ها و دیدگاه‌های خاص خود، به‌ویژه در بُعد اجتماعی، به ترویج فهم و عمل به قرآن پرداخته‌اند. این پژوهش با هدف نقد و تحلیل عمیق شش جریان برجسته تدبری در ایران معاصر با رویکرد اجتماعی، به بررسی ویژگی‌ها، نقاط قوت، و کاستی‌های آن‌ها در ترویج فهم و عمل اجتماعی به قرآن می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و پیمایش‌های میدانی، از جمله مصاحبه با افراد کلیدی، جمع‌آوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این جریان‌ها در مواردی چون پیوند با علوم اجتماعی، ترویج عمومی، و آموزش ساختارمند موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند، اما کاستی‌های جدی مانند کم‌توجهی به روایات، ضعف در استدلال‌های اجتماعی، فقدان راهکارهای عملی، و عدم تأکید کافی بر عمل اجتماعی، موانع بزرگی در مسیر رشد تدبر در قرآن با رویکرد اجتماعی ایجاد کرده‌اند. این مطالعه با نقد جریان‌های مزبور و ارائه پیشنهادها برای تقویت رویکرد اجتماعی تدبر برای تأثیرگذاری عمیق‌تر در هدایت جامعه و قرین ساختن تدبر با عمل به قرآن است.

کلمات کلیدی: تدبر در قرآن، تدبر با رویکرد اجتماعی، فهم اجتماعی قرآن، عمل اجتماعی، جریان‌های تدبری معاصر

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران،

ایران. نویسنده مسئول mahdykahaky@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

karimiimahmoud@gmail.com





مقدمه

قرآن کریم، به عنوان منبع اصلی معارف اسلامی، نه تنها راهنمای زندگی فردی، بلکه منبعی جامع برای سامان دهی حیات اجتماعی، ارائه راهکارهایی برای مسائل پیچیده جوامع بشری، و هدایت جامعه به سوی عدالت و معنویت است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۱: ۱۰). تأکید قرآن بر تدبیر در آیاتی چون «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء/ ۸۲) و «لِيَذَّبَرُوا آيَاتِهِ» (ص/ ۲۹)، نشان دهنده اهمیت تدبیر و تفکر در آیات برای استخراج معانی هدایتی، به ویژه در حوزه های اجتماعی، است (کریمی و سلمان نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵). تدبیر، فراتر از فهم سطحی یا تفسیر سنتی، فرآیندی است که به درک عمیق و کاربردی آیات در زندگی فردی و جمعی منجر می شود. در ایران معاصر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، تدبیر به عنوان یکی از روش های کلیدی انس با قرآن، در کنار فعالیت هایی مانند قرائت، حفظ، و تفسیر، جایگاه ویژه ای یافته است (مقامی، ۱۳۹۶: ۲۵).

پس از انقلاب اسلامی، تأکید بر بازگشت به معارف قرآنی و نقش قرآن در هدایت جامعه، زمینه ساز توجه ویژه به تدبیر شد. تأکیدات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۷۲ بر ضرورت تدبیر، به ویژه در راستای تأثیرگذاری اجتماعی قرآن، انگیزه ای برای شکل گیری جریان های متنوع تدبیری در مراکز دینی، علمی، و دانشگاهی ایران ایجاد کرد (مقامی، ۱۳۹۶: ۳۰). این جریان ها، از مساجد و حوزه های علمیه گرفته تا دانشگاه ها و رسانه های عمومی، با هدف ترویج فهم و عمل به قرآن در سطح جامعه شکل گرفتند. با این حال، تفاوت در دیدگاه ها درباره چیستی و چگونگی تدبیر، منجر به تنوع روش ها و رویکردها شده که برخی بر فهم فردی و برخی دیگر بر کاربرد اجتماعی آیات تمرکز دارند. این تنوع، اگرچه فرصتی برای غنای گفتمان قرآنی است، اما چالش هایی مانند پراکندگی روش ها و عدم انسجام در رویکرد اجتماعی را نیز به همراه داشته است.

تدبیر در قرآن با رویکرد اجتماعی به معنای فهم و به کارگیری آیات قرآن در راستای حل مسائل اجتماعی، تقویت همبستگی، و هدایت جامعه به سوی عدالت و معنویت است. در شرایطی که جامعه ایران با چالش هایی مانند نابرابری اقتصادی، کاهش اعتماد اجتماعی، و بحران های فرهنگی مواجه است، تدبیر اجتماعی می تواند به عنوان ابزاری برای ترویج ارزش های قرآنی و ارائه راهکارهای عملی عمل کند (اخوت، ۱۳۹۳ الف: ۲۰). این رویکرد با تأکید بر مفاهیمی مانند عدالت، مسئولیت پذیری اجتماعی، و اخلاق جمعی، نه تنها به گفتمان سازی قرآنی در سطح جامعه کمک می کند، بلکه می تواند به عنوان پلی بین معارف

قرآنی و نیازهای روز جامعه عمل کند. با این حال، تحقق این هدف نیازمند قرین بودن تدبیر با عمل به قرآن است، به گونه‌ای که فهم آیات به اقدامات عملی در سطح جامعه منجر شود. فقدان این پیوند در بسیاری از جریان‌های تدری، یکی از کاستی‌های اصلی است که این پژوهش به بررسی آن می‌پردازد.

با توجه به نقش محوری قرآن در هدایت اجتماعی و نیاز مبرم جامعه ایران به راهکارهای قرآنی برای مواجهه با مسائل اجتماعی مانند نابرابری، بی‌اعتمادی، و چالش‌های فرهنگی، بررسی و تحلیل رویکرد اجتماعی این جریان‌ها ضروری است. مشکل اصلی این است که بسیاری از جریان‌های تدری، به رغم تلاش برای ترویج فهم قرآن، در تبدیل این فهم به عمل اجتماعی ناکام مانده‌اند. برای مثال، برخی جریان‌ها به تحلیل نظری آیات اکتفا کرده و راهکارهای عملی برای مسائل اجتماعی ارائه نداده‌اند، در حالی که دیگران با ساده‌سازی بیش از حد، از عمق تحلیل‌های اجتماعی کاسته‌اند. علاوه بر این، کم‌توجهی به روایات اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان منبعی غنی برای تبیین مفاهیم اجتماعی، و فقدان استدلال‌های قوی در تحلیل مسائل پیچیده اجتماعی، از دیگر کاستی‌های این جریان‌هاست. این پژوهش با طرح سؤال زیر به دنبال نقد و تحلیل این جریان‌هاست:

• مهم‌ترین ویژگی‌ها، نقاط قوت و نقاط ضعف هر یک از جریان‌های تدری از منظر اجتماعی چیست؟

چارچوب مفهومی

تدبیر، از ریشه «دبر»، به معنای تأمل عمیق در گفتار یا عمل برای کشف مقصود و عواقب آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸: ۳۳). برخلاف تفکر که شامل اندیشه در علق و روابط اشیاء می‌شود، تدبیر به ژرف‌اندیشی در نتایج و سرانجام امور تمرکز دارد (زمخشری، ۱۹۷۹، ۱: ۱۸۲). راغب اصفهانی تدبیر را تفکر مستمر برای آشکار ساختن باطن امور می‌داند (راغب، ۱۴۱۲: ۳۰۷). ابن منظور نیز آن را نگرش به عاقبت کارها تعریف کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴: ۲۷۳). تدبیر، فراتر از فهم ظاهری، به درک قلبی و عمل مطابق با آن اشاره دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸: ۱۶۲). تدبیر در قرآن، روشی کلیدی برای فهم معارف الهی است که با تأمل در آیات، کشف روابط ناپیدا و پیوند میان آنها صورت می‌گیرد. قرآن در آیاتی مانند نساء: ۸۲، مؤمنون: ۶۸، ص: ۲۹ و محمد: ۲۴، به تدبیر دعوت می‌کند و فهم هماهنگ آیات را از ما می‌خواهد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۵: ۱۹). تدبیر، برخلاف تفکر صرف، به پذیرش قلبی و عمل جوارحی وابسته است (مرادی زنجانی، ۱۳۹۸: ۱۷). سیاق آیات تدبیر



نشان می‌دهد تدبر، فراتر از فهم ظاهری، به شنیدن قرآن و پیروی از آن منجر می‌شود (تاج آبادی، ۱۴۰۲: ۷۹). به بیانی دیگر، تدبر در قرآن، تأمل عمیق برای فهم معانی، پیام‌ها و رهنمودهای الهی است که به عمل منجر می‌شود. تدبر در قرآن، با هدف فهم عمیق معارف الهی و عمل به آن، به هدایت و سعادت انسان منجر می‌شود. این فرآیند، تأمل در آیات برای کشف روابط ناپیدا، پیام‌ها و رهنمودها را شامل می‌شود (مرادی زنجانی، ۱۳۹۸: ۱۷). هدف اصلی تدبر، پیوند فهم و عمل است تا فرد با التزام قلبی، به مضامین قرآنی عمل کند و از مواظب آن بهره‌مند شود (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۴۵). تدبر، با تقویت معرفت دینی، قلب را به نور هدایت متصل کرده و زمینه‌ساز عبرت‌گیری و اصلاح رفتار می‌شود (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۹، ۸: ۳۸۴).

معصومان (علیهم السلام) به عنوان شارحان قرآن، مردم را به تدبر و عمل به آن دعوت کرده‌اند. امام صادق (علیه السلام) قرآن را تجلی علم الهی دانسته و تدبر را راه سعادت معرفی می‌کنند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۴: ۱۱۶). امیرالمؤمنین (علیه السلام) تدبر را سزاترین عبرت می‌دانند (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۱۰). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مؤمنان واقعی به کتاب) کسانی هستند که قرآن را تلاوت می‌کنند و در آن تفقه و تأمل عمیق می‌کنند و به احکام آن عمل می‌کنند، به وعده‌های آن امیدوارند و از وعید آن می‌ترسند و به وسیله قصه‌های آن عبرت می‌گیرند و از اوامر آن، فرمان می‌برند و از نواهی آن نهی می‌پذیرند. به خدا قسم! تلاوت حقیقی و واقعی، حفظ کردن آیات و حروف آن و قرائت سوره‌ها و بخش‌های ده گانه و پنج گانه آن نیست. (برخی که ادعای عمل به قرآن را دارند) حروف قرآن را حفظ کرده ولی حدود آن را ضایع کردند؛ بلکه حق تلاوت، همان تدبر در آیات و عمل به احکام آن است. خداوند متعال می‌فرماید: «ما کتابی مبارک به سوی تو نازل کردیم تا آیات آن تدبیر و (پیروی) شود» (ورام، ۱۴۱۰، ۲: ۲۳۶).

از سوی دیگر، تفسیر آشکارسازی معانی و مقاصد آیات قرآن است که با استفاده از قرآن، سنت معصومان (علیهم السلام) و عقل برهانی انجام می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۱: ۴). ریشه «ف س ر» در آیه ۳۳ سوره فرقان به معنای توضیح حق آمده است (عبدالباقی، ۱۳۹۱: ۶۸۷). قرآن، خود مبین است (المائده: ۱۵)، اما سطوح معنایی آن نیازمند تبیین است (النحل: ۴۴). روایات، عترت را همتای قرآن و منبع تفسیر می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۴۱۵). تفسیر صحیح، مبتنی بر قرآن، سنت قطعی و عقل، بدون پیش داوری است (قرشی، ۱۳۷۸، ۵: ۱۷۵).

در خصوص تفاوت تدبر و تفسیر باید اشاره کرد که تدبر، تأمل همگانی در آیات

قرآن با قلب، و عمل به نتایج آن است (ص: ۲۹)، در حالی که تفسیر، کشف معانی آیات توسط متخصصان است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۱: ۳۹). تدبر بر پیامدها و التزام قلبی تمرکز دارد (محمد: ۲۴)، اما تفسیر همه جوانب آیات را بررسی می‌کند. اهل بیت (علیهم السلام) مردم را به تدبر دعوت کرده‌اند (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۶۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۴: ۴۰۰)، اما از تفسیر بدون فراگیری مقدمات آن، نهی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۳۱۱). تدبر هدف نزول قرآن است، ولی تفسیر وسیله‌ای برای آن است (سرحان، ۱۳۹۹: ۲۶۹).

تدبر در قرآن، تأمل عمیق برای فهم، و عمل به آیات با تأکید بر نتایج و التزام قلبی است (ص: ۲۹). تدبر با رویکرد اجتماعی، فهم قرآن با صبغه اجتماعی و به کارگیری معارف قرآنی در حل مسائل اجتماعی است. اجتهاد کاربردی، استخراج احکام عملی از قرآن برای مسائل روز است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۱: ۴۰). فهم تمدنی قرآن، تبیین نقش آیات در شکل‌گیری تمدن اسلامی است (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۵۰). تفسیر اجتماعی، تحلیل آیات برای تبیین روابط اجتماعی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۹، ۸: ۱۵). اما تدبر در قرآن با رویکرد اجتماعی، برخلاف اینها، فهم و عمل به آیات را در بستر جامعه پیوند می‌دهد (سرحان، ۱۳۹۹: ۲۷۰).

در تدبر با رویکرد اجتماعی، این مفهوم به فهم قرآن با صبغه اجتماعی و به کارگیری معارف قرآنی در حل مسائل اجتماعی گسترش می‌یابد، جایی که فهم و عمل به آیات در بستر جامعه پیوند خورده و بر روابط انسانی، ساختارهای تمدنی و چالش‌های جمعی تمرکز دارد (سرحان، ۱۳۹۹: ۲۷۰). برخلاف اجتهاد کاربردی که بر استخراج احکام عملی از قرآن برای مسائل روز تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۱: ۴۰)، فهم تمدنی قرآن که نقش آیات در شکل‌گیری تمدن اسلامی را تبیین می‌کند (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۵۰)، یا تفسیر اجتماعی که تحلیل آیات برای تبیین روابط اجتماعی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۹، ۸: ۱۵)، تدبر با رویکرد اجتماعی نه تنها فهم را اجتماعی می‌سازد، بلکه عمل را نیز در سطح جمعی پیوند می‌دهد و قرآن را به عنوان منبع هدایت برای تحولات اجتماعی قرار می‌دهد.

به بیان دیگر، تدبر اجتماعی را می‌توان به عنوان «دریافت پی‌درپی کلمات، آیات و سوره‌ها برای دستیابی به فهم منسجم قرآن در چارچوب مسائل اجتماعی، با هدف پیوند فهم فردی با عمل جمعی و حل چالش‌های جامعه» تعریف کرد (صبوحی، ۱۳۹۴: ۲۴). این رویکرد، قرآن را نه تنها کتابی فردی بلکه منبع الهام برای تربیت اجتماعی، عدالت سیاسی و توسعه فرهنگی می‌بیند، جایی که تدبر از



حالت ذهنی خارج شده و به عمل اجتماعی تبدیل می‌شود (نظری، ۱۴۰۰: ۱۳۴). برای مثال، در مقالات مرتبط با تدبیر اجتماعی، تأکید بر این است که تدبیر باید از فردگرایی به جمع‌اندیشی گذار کند و پیام‌های اجتماعی قرآن را در متن زندگی مردم قرار دهد، تا جایی که مفسران به تحلیل سرنوشت کلی جامعه مسلمانان بپردازند (نقی پورفر، ۱۳۹۷: ۱۰۲). این تعریف، بر پایه مبانی قرآن‌شناختی مانند نزول قرآن برای هدایت جمعی (بقره/ ۱۸۵) و تأکید بر تدبیر برای درک روابط اجتماعی استوار است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۸۹).

اهداف تدبیر با رویکرد اجتماعی، به حل مسائل عملی جامعه و ترویج فرهنگ قرآنی تمرکز دارد. این اهداف را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. حل مسائل اجتماعی و تحول در روابط انسانی: هدف اصلی، به‌کارگیری معارف قرآنی برای تبیین و حل چالش‌های اجتماعی مانند عدالت، روابط خانوادگی و مشارکت سیاسی است (سرحان، ۱۳۹۹: ۲۷۰). برای نمونه، تدبیر اجتماعی به دنبال ایجاد فضای عادلانه در عرصه فردی و اجتماعی است، جایی که شهروندان از ظلم سیاسی دور شوند (نظری، ۱۴۰۰: ۱۲۹).

۲. تربیت اجتماعی و توسعه فرهنگی: تربیت اجتماعی بر پایه تدبیر، به معنای بندگی در برابر خداوند و تنظیم روابط انسانی مبتنی بر معیارهای اصلاحی است (صباحی، ۱۳۹۴: ۴۱). اهداف شامل ایجاد نشاط اجتماعی، محبت‌ورزی و الگودهی برای جامعه می‌شود، تا قرآن در زندگی روزمره کاربردی شود (سرحان، ۱۳۹۹: ۲۳۲).

۳. ظرفیت‌سازی ترویجی و آموزشی: تدبیر اجتماعی به دنبال ترویج قرآن در فضای مجازی، حوزه زنان و خانواده، و آموزش و پرورش است، با هدف توسعه فرهنگ قرآنی در ایران معاصر (نظری، ۱۴۰۰: ۱۲۱). این رویکرد، آسیب‌شناسی جریان‌های تدبیری را نیز شامل می‌شود تا قرآن منبع اصلی معارف اجتماعی قرار گیرد.

۴. عدالت و نظام حقوقی اجتماعی: اهداف شامل تبیین مبانی حقوقی قرآن برای اداره جوامع، با تأکید بر اراده الهی به عنوان معیار مشروعیت قوانین، و جلوگیری از فردگرایی روش‌شناختی است. این هدف، با فهم تمدنی قرآن همخوانی دارد و به شکل‌گیری تمدن اسلامی کمک می‌کند (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۵۰).

در مجموع، تدبیر با رویکرد اجتماعی، قرآن را به عنوان نسخه‌ای برای تحول اجتماعی قرار می‌دهد و اهداف آن بر پایه فهم منسجم و عمل جمعی استوار است (صباحی، ۱۳۹۴: ۳۴). این رویکرد، بر پیوند فهم و عمل در بستر جامعه تأکید دارد.

با توجه به تعاریف و نکاتی که در چارچوب مفهومی به آنها اشاره شد معیارهای تحلیل جریان‌های تدریسی، شامل توجه به مسائل اجتماعی، پیوند با علوم اجتماعی، ترویج عمومی، استناد به روایات، عمل اجتماعی به قرآن، و ساختار تشکیلاتی، برای ارزیابی تأثیرگذاری این جریان‌ها در ترویج فرهنگ قرآنی و تدبیر با رویکرد اجتماعی انتخاب شده‌اند. این معیارها از آیات قرآنی مانند آیه ۱۰۳ آل عمران که اشاره به وحدت اجتماعی دارد و روایات اهل بیت (علیهم السلام) مانند حدیث ثقلین (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۴۱۵) استخراج شده‌اند. مبنای انتخاب، تأکید قرآن بر هدایت عملی (نحل: ۸۹) و سیره معصومان (علیهم السلام) در پیوند فهم و عمل است. این معیارها، اثرگذاری اجتماعی و معرفتی جریان‌ها را به صورت کاردبری و میدانی می‌سنجند.

- توجه به مسائل اجتماعی و اجرایی جامعه: تمرکز بر عدالت، همبستگی و اخلاق جمعی، جریان‌های تدریسی را در حل مسائل اجتماعی توانمند می‌سازد. این معیار، با الهام از آیه ۱۰۳ آل عمران، به ترویج ارزش‌های اجتماعی قرآنی کمک می‌کند و معارف آیات را در بستر عمل اجتماعی پیاده‌سازی می‌کند (مرادی زنجانی، ۱۳۹۸: ۲۲).

- پیوند با علوم اجتماعی: استفاده از جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مدیریت در تبیین آیات، فهم قرآنی را با نیازهای روز جامعه هم‌راستا می‌کند. این پیوند، با تأکید بر تبیان بودن قرآن (نحل: ۸۹)، به کاربردی شدن تدبیر در مسائل اجتماعی کمک می‌کند (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۴۷).

- ترویج عمومی: گسترش فرهنگ قرآنی در میان دانشجویان، طلاب و عموم مردم، تأثیرگذاری جریان‌های تدریسی را نشان می‌دهد. این معیار، با الهام از دعوت قرآنی به هدایت همگانی (ص: ۲۹)، فرهنگ‌سازی قرآنی را تقویت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱: ۴۲).

- استناد به روایات به ویژه روایات با رویکرد اجتماعی: استفاده از روایات اهل بیت (علیهم السلام)، مانند حدیث ثقلین (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۴۱۵)، مفاهیم اجتماعی قرآن را غنی می‌سازد. این معیار، با تأکید بر نقش عترت در تفسیر، تبیین دقیق آیات اجتماعی را تضمین می‌کند (سرحان، ۱۳۹۹: ۲۷۱).

- عمل اجتماعی به قرآن: تأکید بر کاربرد عملی آیات در حل مسائل اجتماعی، فهم قرآنی را به اقدامات ملموس تبدیل می‌کند. این معیار، با استناد به آیه ۱۲۱ بقره، عمل به قرآن را هدف تدبیر می‌داند (مرادی زنجانی، ۱۳۹۸: ۲۵).

- ساختار تشکیلاتی: سازمان‌یافتگی و تداوم فعالیت‌ها، توانایی جریان‌ها



در شبکه‌سازی برای ترویج تدبر را نشان می‌دهد. این معیار، با الهام از سیره معصومان در هدایت جمعی (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۹۲)، اثربخشی اجتماعی تدبر را تقویت می‌کند (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۵۲).

تفاوت دیدگاه‌ها در چیستی و چگونگی تدبر، چالش اصلی در حوزه تدبر در قرآن با رویکرد اجتماعی است. برخی تدبر را فرآیندی قلبی و عاری از پیش‌فرض‌های ذهنی می‌دانند که به فهم عمیق آیات منجر می‌شود (نقی پورفر، ۱۳۷۴: ۳۵)، درحالی‌که دیگران آن را روشی نظام‌مند برای استخراج جهت‌گیری‌های اجتماعی و هدایتی سوره‌ها تعریف می‌کنند (خامه‌گر، ۱۳۹۷: ۱۲). این اختلاف نظرها منجر به ظهور جریان‌های متعدد تدبری شده که هرکدام در رویکرد اجتماعی خود ویژگی‌ها و کاستی‌های خاصی دارند. در این پژوهش به بررسی شش جریان تدبری «مؤسسه تدبر در قرآن و سیره»، «مؤسسه تدبر در کلام وحی»، «مدرسه دانشجویی قرآن و عترت»، «کانون زبان قرآن»، «مجموعه فرهنگی درس‌هایی از قرآن» و «جریان تدبری مهدی بازگان و عبدالعلی بازگان» می‌پردازیم. در واقع ساختار تشکیلاتی که هر کدام از این جریان‌های تدبری برای خود کم و بیش تعریف کرده‌اند آنها را در قالب موسساتی متمایز از یکدیگر قرار داده است.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه تدبر در قرآن انجام شده است، اما کمتر به‌طور خاص به رویکرد اجتماعی و جنبه‌های عملی آن پرداخته‌اند. آثاری مانند «تفسیر ساختاری قرآن کریم» (خامه‌گر، ۱۳۹۷) بر قواعد ساختارشناسی سوره‌ها و تأثیر آن در فهم اجتماعی تأکید دارند، اما تحلیل جامعی از جریان‌های معاصر ارائه نداده‌اند. پایان‌نامه‌هایی مانند «آسیب‌شناسی روش‌های تدبر در قرآن» (محمودیان بارزی، ۱۳۹۲) و «آسیب‌شناسی تدبر در قرآن» (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۴) به بررسی چالش‌های روش‌های تدبری پرداخته‌اند، اما تمرکز آن‌ها بیشتر بر جنبه‌های نظری و فردی بوده و کمتر به بُعد اجتماعی و عمل به قرآن توجه کرده‌اند. پژوهش‌هایی مانند «جریان‌های فهم قرآن کریم در ایران معاصر» (پاکتچی، ۱۳۹۵) و «جریان‌شناسی مطالعات قرآنی معاصر» (شریفی، ۱۳۹۹) به تحلیل کلی جریان‌های قرآنی و در مواردی ارتباط آن‌ها با مسایل اجتماعی پرداخته، اما رویکرد اجتماعی تدبر در قرآن را به‌صورت خاص بررسی نکرده‌اند. همچنین، آثاری مانند «تفکر اجتماعی، تفکر عینی» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳ الف) به پیوند تدبر با مسائل اجتماعی پرداخته‌اند، اما تحلیل تطبیقی جامعی از جریان‌های مختلف تدبری ارائه نداده‌اند.

این پژوهش با تمرکز بر بُعد اجتماعی تدبر و آثار و دستاوردهای عمل اجتماعی به قرآن، رویکردی نوآورانه ارائه می‌دهد. برخلاف مطالعات قبلی که عمدتاً به جنبه‌های نظری یا فردی تدبر پرداخته‌اند، این مطالعه با تحلیل تطبیقی شش جریان برجسته که شش موسسه تدبر در قرآن آنها را نمایندگی می‌کنند، نقد و بررسی و با ارائه تحلیل‌های مربوط به هر جریان، به بررسی ظرفیت‌ها و موانع این جریان‌ها در ترویج فهم و عمل اجتماعی به قرآن می‌پردازد. استفاده از داده‌های میدانی، از جمله مصاحبه با افراد تاثیرگذار، و ترکیب آن با تحلیل‌های کتابخانه‌ای، به این پژوهش عمق و جامعیت بیشتری بخشیده است. بر این اساس، نوآوری این پژوهش در سه محور قابل توجه است:

۱. تمرکز بر عمل و تدبر قرآن با رویکرد اجتماعی: برخلاف بسیاری از مطالعات که تدبر را صرفاً به عنوان فرآیند فهم نظری بررسی کرده‌اند، این پژوهش به دنبال آثار اجتماعی تدبر و تاثیر دستاوردهای آن بر زندگی فردی و اجتماعی است.

۲. پژوهش‌ها و مصاحبه‌های میدانی: این مطالعه صرفاً به منابع کتابخانه‌ای بسنده نکرده و قبل از ارائه نتایج تحقیقات خود، آنها را با افراد مطرح در هر جریان به بحث و بررسی و بوته نقد قرار داده تا دستاورد حاصل از این مطالعات به واقعیت نزدیکتر شود.

۳. مطالعه تطبیقی شش جریان تدبری تاثیرگذار در ایران معاصر: مطالعه تطبیقی شش جریان تدبری در ایران معاصر، تأثیر آنها را بر اساس معیارهای اجتماعی، علمی و تشکیلاتی بررسی و نقاط قوت و ضعف هر جریان را در ترویج فرهنگ قرآنی نشان می‌دهد.

روش تحقیق

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه‌های میدانی استفاده کرده است تا ویژگی‌ها، نقاط قوت، و کاستی‌های رویکرد اجتماعی جریان‌های تدبری را به صورت جامع و عمیق بررسی کند. داده‌ها از دو منبع اصلی جمع‌آوری شده‌اند: ۱. منابع کتابخانه‌ای: شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و آثار منتشرشده توسط جریان‌های تدبری، مانند درسنامه‌های محمدحسین الهی‌زاده، مجموعه‌های منتشر شده علی صیوحی طسوجی، تفسیر نور محسن قرائتی، مجموعه‌های منتشر شده توسط «مدرسه قرآن و عترت» و آثار مهدی بازرگان و عبدالعلی بازرگان. این منابع برای تحلیل محتوای آموزشی، روش‌های تدبری، و رویکرد اجتماعی هر جریان به دقت بررسی شده‌اند.

۲. داده‌های میدانی: شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با افراد مهم و تأثیرگذار



از جمله عباس صبحی طسوجی (۱۴۰۳/۱۱/۰۱)، مهدی مقامی (۱۴۰۳/۰۷/۰۷)، محسن قرائتی (۱۴۰۳/۰۳/۲۲)، محمود متوسل (۱۴۰۳/۰۳/۰۹)، و مسئولان کانون زبان قرآن (حسین مرادی زنجانی، اکبر سعیدی، صادق حامدی) (۱۴۰۳/۰۲/۲۴). این مصاحبه‌ها برای تکمیل اطلاعات، شناسایی دیدگاه‌های عملی، بررسی تأثیر اجتماعی فعالیت‌های هر جریان، و درک چالش‌های موجود در ترویج تدبیر اجتماعی انجام شده‌اند.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های کیفی، از جمله دلالت‌پژوهی و تحلیل محتوا انجام شده است تا الگوهای مشترک و تفاوت‌های جریان‌ها شناسایی شوند. این روش امکان بررسی عمیق و دقیق رویکرد اجتماعی هر جریان را فراهم کرده است. برای اطمینان از جامعیت تحلیل، داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی به صورت مستمر مقایسه و تلفیق شده‌اند تا تصویری کامل از وضعیت جریان‌های تدبیری ارائه شود.

بررسی جریان‌های تدبیری

با توجه به مسائل ذکر شده، اکنون به نقد و تحلیل مهم‌ترین جریان‌های تدبیری قرآن در ایران معاصر با معیارهای ذکر شده می‌پردازیم. در این مطالعه منظور از ایران معاصر، از زمان مهدی بازرگان تا امروز مد نظر است. در این دوران چندین چهره و جریان تدبیری ظهور و بروز داشته ولی مهم‌ترین آنها ۶ جریان است که مشخصات آنها در مقدمه ذکر شد و در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جریان تدبیری مؤسسه «تدبر در قرآن و سیره»

جریان تدبیری مؤسسه «تدبر در قرآن و سیره» مشهد که با رهبری محمدحسین الهی‌زاده و مدیریت مهدی مقامی فعالیت می‌کند، بر آموزش تدبیر با رویکرد ترتیبی و موضوعی تمرکز دارد (الهی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵). این جریان درسنامه‌هایی برای جزء‌های مختلف قرآن، به‌ویژه جزء ۳ و حوامیم سبعة، ارائه داده و برنامه‌های آموزشی متعددی برای اقشار مختلف، از جمله دانش‌آموزان، دانشجویان، و عموم مردم، برگزار کرده است (الهی‌زاده، ۱۳۹۲ الف: ۱۰؛ ۱۳۹۵ الف: ۱۲).

این جریان با ارائه درسنامه‌های ساده و قابل فهم، تلاش کرده تا فهم آیات را برای اقشار مختلف جامعه تسهیل کند. برای مثال، درسنامه جزء ۳ با تحلیل آیات سوره‌های ناس و فلق، مفاهیمی مانند پناه بردن به خدا در برابر وسوسه‌های اجتماعی را به زبان ساده توضیح می‌دهد (الهی‌زاده، ۱۳۹۲ الف: ۱۵). برنامه‌های آموزشی این جریان، مانند دوره‌های تربیت مربی، به گسترش تدبیر در سطح جامعه کمک کرده است. با این حال، تمرکز اصلی این جریان بر فهم فردی آیات

بوده و رویکرد اجتماعی آن محدود است. این محدودیت به‌ویژه در فقدان راهکارهای عملی برای مسائل اجتماعی و کم‌توجهی به عمل به قرآن مشهود است (الهی‌زاده، ۱۳۹۸: ۵۰).

نقاط قوت:

۱. ترویج عمومی تدبیر: درسنامه‌های این جریان تدبیری با زبانی ساده و روان طراحی شده‌اند که برای گروه‌های سنی مختلف، از جمله نوجوانان و جوانان، قابل فهم است. برای نمونه، درسنامه جزء ۳۰ با تحلیل آیات سوره ناس همچون «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» (ناس/۱)، مفهوم پناه بردن به خدا را به‌عنوان راهکاری برای مقابله با وسوسه‌های اجتماعی مانند حسادت و رقابت ناسالم تبیین می‌کند (الهی‌زاده، ۱۳۹۲ الف: ۱۵). این درسنامه‌ها با اقبال گسترده در مساجد، مدارس، و مراکز فرهنگی، به گسترش فرهنگ قرآنی در میان اقشار عمومی کمک کرده‌اند. برنامه‌های آموزشی این جریان، مانند کارگاه‌های برگزارشده در مشهد در سال ۱۳۹۶، بیش از ۱۰۰۰ نفر را جذب کرد که نشان‌دهنده تأثیرگذاری آن در سطح جامعه است (مقامی، ۱۳۹۵: ۳۵).

۲. ساختار تشکیلاتی قوی: مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره با برگزاری دوره‌های منظم، انتشار درسنامه‌های متعدد، و ایجاد شبکه‌ای از مربیان، بستری سازمان‌یافته برای ترویج تدبیر فراهم کرده است (مقامی، ۱۳۹۵: ۳۰). این ساختار امکان برگزاری کارگاه‌های آموزشی در شهرهای مختلف، از جمله مشهد، نیشابور، تهران و قم را فراهم کرده و به گسترش فعالیت‌ها در سطح ملی منجر شده است. برای مثال، دوره‌های آموزشی در سال ۱۳۹۸ بیش از ۳۰۰ مربی را آموزش داد که در جوامع محلی به ترویج تدبیر پرداختند (الهی‌زاده، ۱۳۹۶ الف: ۳۵). این سازمان‌یافتگی به این جریان امکان داده تا تأثیر اجتماعی قابل توجهی داشته باشد.

۳. تربیت مربی: این جریان با برگزاری دوره‌های تخصصی تربیت مربی، شبکه‌ای از فعالان قرآنی ایجاد کرده که در مساجد، مدارس، و مراکز فرهنگی فعالیت می‌کنند (الهی‌زاده، ۱۳۹۶ الف: ۳۰). این مربیان با آموزش مفاهیم قرآنی به گروه‌های مختلف، به‌ویژه جوانان، به گفتمان‌سازی قرآنی در سطح جامعه کمک کرده‌اند. برای نمونه، دوره‌های تربیت مربی در سال ۱۳۹۶ بیش از ۲۰۰ مربی را آموزش داد که در برنامه‌های محلی، مانند جلسات قرآنی در مساجد، به تحلیل آیات و تدبیر در آنها پرداختند (الهی‌زاده، ۱۴۰۳: ۲۰).



نقاط ضعف:

۱. تمرکز بیش از حد بر تدبیر فردی: این جریان بیشتر بر فهم فردی آیات تمرکز دارد و کمتر به کاربرد اجتماعی آن‌ها، مانند حل مسائل اجتماعی یا تقویت همبستگی، پرداخته است. برای مثال، درسنامه‌های جزء ۳۰ بیشتر بر فهم معنایی آیات مانند آیه ۱ سوره ناس تمرکز دارند و کمتر به موضوعاتی مانند عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری جمعی، یا راهکارهای عملی برای کاهش نابرابری پرداخته‌اند (الهی‌زاده، ۱۳۹۸: ۵۰). این محدودیت باعث شده که تأثیر اجتماعی این جریان در مقایسه با ظرفیت‌های آن کمتر باشد. درحالی‌که قرآن به عنوان کتاب هدایت، راهکارهای متعددی برای مسائل اجتماعی ارائه می‌دهد، این جریان نتوانسته این ظرفیت را به صورت عملی در سطح جامعه پیاده‌سازی کند. این کاستی نشان‌دهنده فقدان پیوند بین تدبیر و عمل به قرآن است که یکی از اهداف اصلی تدبیر اجتماعی باید باشد.

۲. ضعف در استدلال‌های اجتماعی: تحلیل‌های ارائه‌شده در درسنامه‌ها گاهی فاقد عمق لازم برای تبیین مسائل اجتماعی پیچیده هستند. برای مثال، در بررسی مفاهیم عدالت در درسنامه‌های موضوعی، استدلال‌ها به توضیحات کلی مانند «عدالت یعنی رعایت حقوق دیگران» محدود شده و کمتر به چالش‌های اجتماعی معاصر مانند نابرابری اقتصادی، تبعیض جنسیتی، یا فساد سیستمی پرداخته شده است (نصرتی، ۱۳۹۶: ۴۰). این ضعف باعث کاهش تأثیرگذاری اجتماعی این جریان شده و نشان‌دهنده ناتوانی آن در ارائه راهکارهای عملی برای مسائل روز جامعه است. درحالی‌که قرآن راهکارهای جامعی برای این مسائل ارائه می‌دهد، این جریان نتوانسته این ظرفیت را به صورت نظام‌مند و کاربردی به کار گیرد.

در مجموع می‌توان گفت جریان تدبیری مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره، با راهبری محمدحسین الهی‌زاده، بر آموزش سوره‌محور و ترویج عمومی تدبیر تمرکز دارد (الهی‌زاده، ۱۳۹۴ ش: ۱۵). درسنامه‌های ساده، مانند تحلیل سوره ناس (الهی‌زاده، ۱۳۹۲ ش الف: ۱۵)، و دوره‌های تربیت مربی، انس با قرآن را تقویت کرده‌اند (مقامی، ۱۳۹۵ ش: ۳۰).

جریان تدبیری مؤسسه تدبیر در کلام وحی

مؤسسه تدبیر در کلام وحی که با راهبری علی صبوحی طسوجی و مساعدت عباس صبوحی طسوجی و حسین صبوحی طسوجی فعالیت می‌کند، بر تدبیر سوره‌محور با تأکید بر سیاق و ساختار سوره‌ها تمرکز دارد (صبوحی طسوجی، ۱۳۸۸: ۱۰). این

جریان به دنبال استخراج جهت‌گیری‌های هدایتی سوره‌ها برای کاربرد در زندگی فردی و اجتماعی است (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۵: ۱۲).

این جریان با تأکید بر نظم و سیاق سوره‌ها، تلاش کرده تا مفاهیم قرآنی را به مسائل اجتماعی مانند عدالت، اخلاق جمعی، و همبستگی پیوند دهد. برای مثال، تحلیل سوره مبارکه بقره در این جریان، بر مفاهیم اجتماعی مانند وحدت امت، مسئولیت‌های اجتماعی مؤمنان، و ضرورت عمل به آیات تأکید دارد (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۷: ۱۵). کارگاه‌های آموزشی این جریان در مساجد و مراکز فرهنگی، بستری برای گفت‌وگوهای قرآنی در سطح جامعه فراهم کرده است.

نقاط قوت

۱. توجه به نظم قرآن: تأکید بر نظم و سیاق سوره‌ها، به فهم جهت‌گیری‌های اجتماعی آیات کمک کرده است. برای مثال، در تحلیل سوره بقره، این جریان مفهوم «امت واحده» (آیه ۲۱۳) را به عنوان پایه‌ای برای همبستگی اجتماعی تبیین کرده و نشان داده که چگونه آیات این سوره به تقویت وحدت در جامعه اسلامی کمک می‌کنند (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۷: ۲۰). این تحلیل با بررسی سیاق آیات، به مخاطبان کمک می‌کند تا مفاهیم قرآنی را در بستر اجتماعی، مانند کاهش تعارضات قومی و مذهبی، به کار گیرند. این رویکرد به ویژه در کارگاه‌های آموزشی این جریان، که در سال ۱۳۹۸ در قم برگزار شد، مورد استقبال قرار گرفت و به بحث‌های اجتماعی گسترده‌ای منجر شد.

۲. ترویج عمومی: این جریان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی در شهرهای مختلف، تأثیر گسترده‌ای در ترویج تدبیر در سطح جامعه داشته است. برای نمونه، کارگاه‌های تدریسی در قم و تهران در سال ۱۳۹۵ بیش از ۱۰۰۰ نفر را جذب کرد که شامل دانشجویان، طلاب، و اقشار عمومی بودند (نصرتی، ۱۳۹۶: ۴۵). این برنامه‌ها با ارائه تحلیل‌هایی مانند آیه ۱۷۷ سوره بقره درباره «بِرِّ» و کمک به نیازمندان، به گسترش فرهنگ قرآنی در میان اقشار مختلف کمک کرده‌اند. این فعالیت‌ها نشان‌دهنده توانایی این جریان در جلب مخاطبان گسترده و ایجاد گفت‌وگوهای قرآنی در سطح جامعه است.

۳. تداوم فعالیت‌ها: انتشار مجموعه‌های چندجلدی مانند «تدبیر در قرآن کریم» و استمرار برنامه‌های آموزشی، نشان‌دهنده پویایی این جریان در سطح اجتماعی است (صبوحی طسوجی، ۱۴۰۰: ۲۵). این مجموعه‌ها با تحلیل سوره‌های مدنی، به موضوعات اجتماعی مانند عدالت، مدیریت جامعه، و اخلاق جمعی پرداخته‌اند که برای مخاطبان کاربردی است. برای مثال، تحلیل سوره آل عمران در این



مجموعه، مفهوم وحدت را به عنوان راهکاری برای مقابله با تفرقه اجتماعی مطرح کرده است (صبحی طسوجی، ۱۳۹۵: ۲۰).

۴. پیوند با مسائل اجتماعی: این جریان با تحلیل آیات مرتبط با موضوعاتی مانند همبستگی اجتماعی و اخلاق جمعی، گامی در جهت کاربرد اجتماعی قرآن برداشته است. برای نمونه، تحلیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران درباره «حبل الله» به عنوان نمادی از وحدت اجتماعی، با تأکید بر ضرورت همکاری در جامعه اسلامی ارائه شده است (صبحی طسوجی، ۱۳۹۷: ۲۵). این تحلیل در کارگاه‌های آموزشی این جریان به بحث‌های عملی درباره تقویت همبستگی در جوامع محلی منجر شده است.

نقاط ضعف

۱. گریز از تفسیر به نام تدبیر: در برخی موارد، تأکید بیش از حد بر تدبیر سوره محور، از عمق تفسیری آیات کاسته و به تحلیل‌های سطحی منجر شده است. برای نمونه، در تحلیل سوره بقره، این جریان بیشتر بر سیاق کلی سوره تمرکز دارد و کمتر به تفسیر عمیق آیات مرتبط با مسائل اجتماعی مانند عدالت اقتصادی یا مدیریت منابع می‌پردازد (صبحی طسوجی، ۱۳۹۴: ۳۰). این ضعف باعث شده که تحلیل‌ها گاهی از ارائه راهکارهای عملی برای مسائل اجتماعی فاصله بگیرند. درحالی‌که قرآن راهنمایی‌های روشنی برای این مسائل ارائه می‌دهد، این جریان نتوانسته این ظرفیت را به صورت نظام‌مند به کار گیرد، که نشان‌دهنده فقدان پیوند بین تدبیر و عمل به قرآن است.

۲. کم‌توجهی به عمل اجتماعی: این جریان بیشتر بر فهم نظری آیات تمرکز دارد و کمتر به راهکارهای عملی برای مسائل اجتماعی پرداخته است. برای مثال، در تحلیل سوره آل عمران، مفاهیم وحدت و همکاری مطرح شده‌اند، اما راهکارهای عملی برای پیاده‌سازی این مفاهیم در جامعه، مانند ایجاد شبکه‌های همکاری محلی یا برنامه‌های اجتماعی، ارائه نشده است (صبحی طسوجی، ۱۳۹۴: ۶۱). این کاستی نشان‌دهنده ناتوانی این جریان در قرین ساختن تدبیر با عمل به قرآن است، که باید یکی از اهداف اصلی تدبیر در قرآن با رویکرد اجتماعی باشد (نصرتی، ۱۳۹۶: ۵۰).

۳. کم‌توجهی به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام): استفاده محدود از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در تبیین مفاهیم اجتماعی، یکی از کاستی‌های جدی این جریان است. برای نمونه، در تحلیل سوره ناس، این جریان کمتر به روایاتی مانند حدیث امام صادق (علیه‌السلام) درباره پناه بردن به خدا در برابر شرور اجتماعی



دوره چهارم
شماره اول
پیاپی: ۷
بهار و تابستان
۱۴۰۴

استناد کرده است (صبحی طسوجی، ۱۳۹۴: ۳۵). روایات می‌توانند به عنوان منبعی غنی برای استخراج راهکارهای اجتماعی، مانند تقویت همبستگی در برابر چالش‌های اجتماعی، مورد استفاده قرار گیرند. این کم‌توجهی نه تنها از عمق تحلیل‌های اجتماعی می‌کاهد، بلکه خطر تفسیر به رأی را افزایش می‌دهد. در شرایطی که روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) راهنمایی‌های روشنی برای عمل به قرآن ارائه می‌دهند، نادیده گرفتن آن‌ها یک نقص ساختاری در این جریان است. در مجموع می‌توان گفت جریان تدریسی مؤسسه تدبر در کلام وحی، با راهبری علی صبحی طسوجی، بر تدبر سوره محور با تأکید بر سیاق و نظم سوره‌ها تمرکز دارد (صبحی طسوجی، ۱۳۸۸ ش: ۱۰). نقاط قوت آن شامل ترویج عمومی تدبر، پیوند آیات با مسائل اجتماعی مانند وحدت (صبحی طسوجی، ۱۳۹۷ ش: ۲۵)، و تداوم فعالیت‌ها از طریق کارگاه‌ها و انتشارات است (نصرتی، ۱۳۹۶ ش: ۴۵). اما ضعف‌هایی نظیر گریز از تفسیر عمیق، کم‌توجهی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام و فقدان راهکارهای عملی برای عمل اجتماعی، از تأثیرگذاری شایسته آن کاسته است (صبحی طسوجی، ۱۳۹۴ ش: ۶۱).

جریان تدریسی مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت

جریان تدریسی مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت با تأکید بر تدبر اجتماعی و رشد تفکر اجتماعی، از طریق انتشار آثاری مانند «تفکر اجتماعی، تفکر عینی» و «فرآیندشناسی ایمان» فعالیت می‌کند (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳ الف: ۱۵). این جریان به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی و در بین دانشجویان، بسیار مورد استقبال قرار گرفته و تأثیرگذار نیز بوده است.

این جریان با استفاده از علوم اجتماعی و روان‌شناسی، به تحلیل آیات قرآن در راستای مسائل اجتماعی مانند همبستگی، عدالت، و اخلاق جمعی پرداخته است. برای مثال، تحلیل آیه ۲۹ سوره فتح درباره همکاری مؤمنان، به عنوان الگویی برای تقویت همبستگی اجتماعی ارائه شده است (اخوت، ۱۳۹۸: ۲۰). فعالیت‌های این جریان در مدرسه دانشجویی قرآن و عترت، بستری برای ترویج تفکر اجتماعی قرآنی فراهم کرده است.

نقاط قوت:

۱. پیوند با علوم انسانی و اجتماعی: این جریان با بهره‌گیری از علوم انسانی، مفاهیم قرآنی را به مسائل اجتماعی مانند مدیریت تعارضات و تقویت همبستگی پیوند داده است. برای نمونه، تحلیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران درباره «حبل‌الله»



با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی، به عنوان نمادی از وحدت اجتماعی ارائه شده که برای دانشجویان جذاب است (اخوت، ۱۳۹۸: ۲۵). این تحلیل‌ها یه همراه پیوند جریان فهم قرآن و علوم طبیعی و اجتماعی، شاخصه ممتاز این جریان در میان سایر جریان‌هاست که موجب جذب قابل توجهی از دانشجویان به مباحث تدبیر اجتماعی مدارس تحت نظر این مجموعه شده است.

۲. ترویج تدبیر در میان دانشجویان: فعالیت‌های این جریان در محیط‌های دانشگاهی، از طریق کارگاه‌ها و سمینارها، تأثیر قابل توجهی در ترویج تفکر اجتماعی قرآنی داشته است. برای مثال، جلسات برگزار شده در مدارس قرآنی این مجموعه در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ بیش از ۵۰۰ دانشجو را جذب کرد که به تحلیل آیات قرآن کریم و تدبیر در آنها پرداختند (اخوت، ۱۳۹۲: ۲۵). این فعالیت‌ها به گفتمان سازی قرآنی در میان قشر جوان و تحصیل کرده کمک کرده است.

۳. ساختار تشکیلاتی قوی: انتشارات متعدد و برنامه‌های منظم، نشان دهنده سازمان‌یافتگی این جریان در سطح اجتماعی است. کتاب «تفکر اجتماعی، تفکر عینی» با تحلیل آیات مرتبط با زندگی جمعی، به عنوان منبعی برای آموزش تدبیر اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳ الف: ۲۰). این کتاب در دوره‌های آموزشی مدارس آموزشی این مجموعه، به عنوان یکی از کتب اصلی تدریس می‌شود.

۴. تأکید بر تفکر اجتماعی: این جریان با تمرکز بر مفاهیمی مانند ایمان جمعی و اصلاح اجتماعی، به ترویج تدبیر اجتماعی کمک کرده است. برای نمونه، تحلیل سوره حجرات درباره اخلاق اجتماعی و پرهیز از غیبت (آیه ۱۲)، به عنوان راهکاری برای بهبود روابط اجتماعی ارائه شده است (اخوت، ۱۳۹۹: ۳۰). این تحلیل در کارگاه‌های آموزشی این جریان و در مدارس ذیل آن بررسی می‌شود.

نقاط ضعف:

۱. ضعف در استدلال‌های اجتماعی: برخی تحلیل‌ها فاقد استدلال‌های قوی و مبتنی بر منابع معتبر قرآنی هستند. برای مثال، تحلیل آیه ۱۳ سوره حجرات درباره برتری تقوا، بیشتر به بحث‌های نظری محدود شده و کمتر به راهکارهای عملی برای کاهش تبعیض اجتماعی، مانند برنامه‌های آموزشی برای اقشار محروم، پرداخته است (نصرتی، ۱۳۹۶: ۵۵). این ضعف نشان دهنده ناتوانی این جریان در ارائه تحلیل‌های عمیق و کاربردی برای مسائل اجتماعی است. درحالی‌که قرآن راهکارهای جامعی برای این مسائل ارائه می‌دهد، این جریان نتوانسته این ظرفیت را به صورت نظام‌مند به کار گیرد.

۲. کم‌توجهی به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام): این جریان کمتر از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در تبیین مفاهیم اجتماعی استفاده می‌کند. برای نمونه، در تحلیل سوره فتح، روایاتی که همکاری مؤمنان را در بستر اجتماعی تبیین می‌کنند، نادیده گرفته شده‌اند (صباحی طسوجی، ۱۳۹۴: ۴۰). این کم‌توجهی از عمق تحلیل‌های اجتماعی می‌کاهد و خطر تفسیر به رأی را افزایش می‌دهد. روایات می‌توانند به‌عنوان منبعی غنی برای ارائه راهکارهای عملی در مسائل اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند.

۳. گریز از تفسیر به اسم تدبر: این شیوه، تفسیر ساده‌شده قرآن با افزودن برداشت‌های امروزی است، اما به دلیل هراس از تفسیر به رأی، ناشی از برداشت نادرست از احادیثی مانند «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ش: ۹۱)، از عنوان تفسیر اجتناب می‌شود. برای مثال، کتاب «روش‌های تدبر سوره‌ای»، ابتدا ترجمه و تحلیل واژگان سوره واقعه را مشابه تفسیر المیزان ارائه می‌دهد، سپس به طبقه‌بندی آیات بر اساس «حق و باطل» می‌پردازد (اخوت، ۱۳۹۰: ۳۵). همچنین، در «فهم قرآن در دبستان و دبیرستان»، توضیحات آیات با شأن نزول و واژگان مشابه تفسیرهای سنتی است (اخوت، ۱۳۹۶: ۱۲۰). این روش‌ها، با وجود تأکید بر قرآنی‌بودن تدبر (محمد/۲۴)، به دلیل خلاصه‌سازی، از تدبر حقیقی فاصله گرفته و مانع تعمیق در معانی قرآنی می‌شود. در مجموع می‌توان گفت جریان تدبری مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عزت با تأکید بر تدبر اجتماعی و استفاده از علوم انسانی، مفاهیم قرآنی را به مسائل اجتماعی مانند همبستگی و اخلاق جمعی پیوند داده است (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵). نقاط قوت آن شامل ترویج تدبر در میان دانشجویان، ساختار تشکیلاتی قوی، و تحلیل آیاتی مانند آیه ۱۰۳ آل عمران (اخوت، ۱۳۹۸: ۲۵) است. اما ضعف‌هایی نظیر گریز از تفسیر عمیق، کم‌توجهی به روایات، و فقدان استدلال‌های عملی برای مسائل اجتماعی، اثرگذاری آن را محدود کرده است (نصرتی، ۱۳۹۶: ۵۵).

جریان تدبری کانون زبان قرآن

جریان تدبری کانون زبان قرآن به راهبری نظام فکری مرحوم محمدعلی لسانی فشارکی بر آموزش زبان قرآن و تفسیر ترتیبی با رویکردی زبانی و معنایی تمرکز دارد (لسانی فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۵). این جریان از طریق آثاری مانند «آموزش زبان قرآن» و «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» به ترویج فهم قرآنی پرداخته است.



این جریان با تأکید بر آموزش زبان قرآن، تلاش کرده تا فهم آیات را برای اقشار مختلف جامعه آسان کند. برای مثال، تحلیل واژه «تقوا» در سوره بقره به عنوان پایه‌ای برای اخلاق اجتماعی ارائه شده است (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱ الف: ۲۵).
 باین حال، رویکرد اجتماعی این جریان بسیار محدود بوده و بیشتر بر فهم زبانی و فردی متمرکز است.

نقاط قوت:

توجه عمیق به زبان قرآن: تأکید بر واژگان و قواعد زبانی، فهم دقیق آیات را برای عموم تسهیل کرده است. برای نمونه، تحلیل واژه «صبر» در سوره بقره (آیه ۱۵۳) به عنوان عاملی برای تقویت استقامت اجتماعی، به مخاطبان کمک می‌کند تا این مفهوم را در زندگی جمعی، مانند تحمل مشکلات اقتصادی، به کار گیرند (لسانی فشارکی، ۱۴۰۲: ۱۰). این تحلیل در دوره‌های آموزشی این جریان، مانند دوره‌های برگزارشده توسط این مجموعه مورد استقبال قرار گرفت.

۲. سادگی بیان: آثار این جریان با زبانی روان، برای اقشار مختلف، از جمله دانشجویان و عموم مردم، قابل فهم است. کتاب «آموزش زبان قرآن» با توضیحات ساده درباره واژگان قرآنی، مانند تحلیل واژه «هدایت» در سوره حمد، به گسترش فهم قرآنی در سطح جامعه کمک کرده است (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۵). همچنین کتاب «روش تحقیق موضوعی قرآن کریم» در برخی مراکز آموزشی دانشگاهی و غیردانشگاهی به عنوان منبعی آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است.

۳. تداوم فعالیت‌ها: انتشارات متعدد و دوره‌های آموزشی، نشان دهنده استمرار این جریان در ترویج فهم قرآنی است. برای مثال، دوره‌های آموزشی برگزارشده در سال ۱۳۹۷ در تهران و قم، بیش از ۳۰۰ نفر را جذب کرد که به تحلیل آیات سوره‌هایی مانند سوره حمد درباره هدایت جمعی و برخی آیات و سوره‌های جزء سی پرداختند (لسانی فشارکی، ۱۳۹۹: ۲۵).

۴. ترویج عمومی تحقیق در قرآن: این جریان با ارائه محتواهای آموزشی ساده همچون کتاب «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، به گسترش فرهنگ قرآنی در سطح جامعه کمک کرده است. برای نمونه، تحلیل سوره حمد به عنوان دعایی برای هدایت جمعی، به مخاطبان کمک می‌کند تا مفهوم هدایت را در بستر اجتماعی، مانند همکاری در پروژه‌های خیریه، درک کنند (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱: ۳۰).

نقاط ضعف:

۱. کم توجهی به رویکرد اجتماعی: این جریان بیشتر بر فهم زبانی و فردی تمرکز دارد و کمتر به کاربرد اجتماعی آیات پرداخته است. برای مثال، در تحلیل سوره بقره، بیشتر به معانی زبانی آیات، مانند واژه «تقوا»، توجه شده و کمتر به موضوعاتی مانند عدالت اجتماعی یا کاهش نابرابری پرداخته شده است (پروینی، ۱۴۰۰: ۳۰). این کاستی نشان دهنده ناتوانی این جریان در قرین ساختن تدبر با عمل به قرآن است، که یکی از اهداف اصلی تدبر اجتماعی باید باشد.
 ۲. کم توجهی به روایات اهل بیت (علیهم السلام): استفاده محدود از روایات اهل بیت (علیهم السلام) در تبیین مفاهیم اجتماعی، یکی از کاستی‌های جدی این جریان است. برای نمونه، در تحلیل سوره حمد، روایاتی که هدایت جمعی را تبیین می‌کنند، نادیده گرفته شده‌اند (لسانی فشارکی، ۱۳۹۴: ۳۵). این کم توجهی از عمق تحلیل‌های اجتماعی می‌کاهد و خطر تفسیر به رأی را افزایش می‌دهد.
 ۳. گریز از تفسیر به اسم تدبر: تأکید بیش از حد بر اسم تدبر گاهی از تدبر عمیق با هدف کاربرد اجتماعی فاصله گرفته است. برای مثال، تحلیل‌های زبانی سوره بقره بیشتر بر معانی واژگان تمرکز دارند و در واقع همان مباحث تفسیری هستند و کمتر به کاربرد عملی آن‌ها در مسائل اجتماعی، مانند مدیریت منابع یا کاهش فقر، پرداخته‌اند (محمودیان بارزی، ۱۳۹۲: ۲۰). این ضعف باعث شده که این جریان نتواند به صورت جامع به نیازهای اجتماعی جامعه پاسخ دهد.
- در مجموع می‌توان گفت جریان تدبری کانون زبان قرآن، با راهبری محمدعلی لسانی فشارکی، بر آموزش زبان قرآن و تفسیر ترتیبی با تأکید بر واژگان و معانی تمرکز دارد (لسانی فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۵). نقاط قوت آن شامل توجه عمیق به زبان قرآن، سادگی بیان در آثاری مانند «آموزش زبان قرآن» (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۵)، و ترویج عمومی فهم قرآنی از طریق دوره‌های آموزشی است (لسانی فشارکی، ۱۳۹۹: ۲۵). اما ضعف‌هایی نظیر تمرکز بر فهم زبانی و فردی، فقدان راهکارهای عملی، و کم توجهی به عمل اجتماعی، اثرگذاری آن را محدود کرده است (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱: ۲۵).

مجموعه فرهنگی درس‌هایی از قرآن

مجموعه فرهنگی درس‌هایی از قرآن با راهبری حجة الاسلام محسن قرائتی از طریق برنامه «درس‌هایی از قرآن» و تفسیر نور، به ترویج تدبر عمومی با زبانی ساده و تمثیلات جذاب پرداخته است (قرائتی، ۱۳۸۸: ب: ۱۰). این جریان از طریق برنامه تلویزیونی «درس‌هایی از قرآن» که به صورت هفتگی از رسانه ملی پخش



می‌شود، تأثیر گسترده‌ای در سطح جامعه داشته است. این جریان با ارائه مفاهیم قرآنی در قالب تمثیلات و مثال‌های روزمره، به ترویج فهم اجتماعی قرآن کمک کرده است. برای مثال، تحلیل آیه ۲۶۱ سوره بقره درباره انفاق، به عنوان الگویی برای کمک به نیازمندان در جامعه ارائه شده است (قرائتی، ۱۳۹۲: ۲۰). برنامه‌های تلویزیونی این جریان، به‌ویژه در میان اقشار عمومی، گفتمان قرآنی را گسترش داده‌اند. با این حال، ساده‌سازی بیش‌ازحد و فقدان راهکارهای عملی، از کاستی‌های این جریان است.

نقاط قوت:

۱. ترویج عمومی آشنایی با قرآن کریم: استفاده از رسانه ملی، این جریان را به یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های قرآنی در سطح جامعه تبدیل کرده است. برنامه «درس‌هایی از قرآن» با مخاطبان میلیونی، مفاهیم قرآنی را به خانه‌های مردم برده و به گفتمان‌سازی قرآنی کمک کرده است. برای نمونه، تحلیل آیه ۱۷۷ سوره بقره درباره «بَرّ» و کمک به نیازمندان، در برنامه‌های تلویزیونی این جریان به بحث‌های گسترده‌ای درباره خیرات اجتماعی منجر شد (قرائتی، ۱۳۸۹: ۲۵).
۲. سادگی بیان: استفاده از تمثیلات و زبان روان، فهم آیات را برای عموم آسان کرده است. برای نمونه، تحلیل آیه ۲۹ سوره فتح درباره همکاری مؤمنان، با تمثیلی از یک تیم ورزشی ارائه شده که برای مخاطبان عمومی قابل فهم است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۰). این تمثیل در برنامه‌های تلویزیونی سال ۱۳۹۲ به بحث‌های اجتماعی درباره همکاری در جوامع محلی منجر شد.
۳. تداوم فعالیت‌های قرآنی: استمرار برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ای، نشان‌دهنده پویایی این جریان در ترویج فرهنگ قرآنی است. برای مثال، برنامه‌های تلویزیونی این جریان از سال ۱۳۵۸ تاکنون ادامه داشته و به گسترش فرهنگ قرآنی در میان اقشار مختلف کمک کرده است (قرائتی، ۱۳۹۸: ۱۵).

نقاط ضعف:

۱. ضعف در استدلال‌های اجتماعی: ساده‌سازی بیش‌ازحد مفاهیم گاهی به کاهش عمق تحلیل‌های اجتماعی منجر شده است. برای مثال، تحلیل آیه ۲۶۱ سوره بقره درباره انفاق، بیشتر به تشویق عمومی محدود شده و کمتر به راهکارهای سیستمی برای کاهش فقر، مانند ایجاد صندوق‌های خیریه یا برنامه‌های توسعه‌ای، پرداخته است (محمودیان باززی، ۱۳۹۲: ۳۰). این ضعف نشان‌دهنده ناتوانی این جریان در ارائه تحلیل‌های عمیق و کاربردی برای

مسائل اجتماعی است.

۲. کم‌توجهی به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام): این جریان کمتر از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در تبیین مفاهیم اجتماعی استفاده می‌کند. برای نمونه، در تحلیل سوره فتح، روایاتی که همکاری مؤمنان را در بستر اجتماعی تبیین می‌کنند، مانند حدیث امام صادق (علیه‌السلام) درباره وحدت امت، نادیده گرفته شده‌اند (قرائتی، ۱۳۹۴: ۴۰). این کم‌توجهی از عمق تحلیل‌های اجتماعی می‌کاهد و خطر تفسیر به رأی را افزایش می‌دهد.

۳. تمرکز بیش از حد بر تدبر فردی: تأکید بر فهم فردی آیات، گاهی از توجه به جنبه‌های اجتماعی کاسته است. برای مثال، تحلیل سوره حمد بیشتر بر هدایت فردی تمرکز دارد و کمتر به هدایت جمعی، مانند نقش قرآن در وحدت اجتماعی، پرداخته است (قرائتی، ۱۳۹۸: ۲۰). این کاستی نشان‌دهنده فقدان پیوند بین تدبر و عمل اجتماعی است.

در مجموع می‌توان گفت مجموعه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، با راهبری محسن قرائتی، از طریق برنامه تلویزیونی «درس‌هایی از قرآن» و تفسیر نور، تدبر عمومی را با زبانی ساده و تمثیلات جذاب ترویج کرده است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۰). نقاط قوت شامل ترویج گسترده با مخاطبان میلیونی، سادگی بیان مانند تحلیل آیه ۲۶۱ بقره (قرائتی، ۱۳۹۲: ۲۰)، و تداوم فعالیت‌هاست (قرائتی، ۱۳۹۸: ۱۵). اما ضعف‌هایی نظیر ساده‌سازی بیش از حد، کم‌توجهی به روایات اهل بیت، و تمرکز بر تدبر فردی، اثرگذاری اجتماعی آن را محدود کرده است (محمودیان بارزی، ۱۳۹۲: ۳۰).

جریان تدریسی مهدی بازرگان و عبدالعلی بازرگان

جریان تدریسی آقایان مهدی بازرگان و عبدالعلی بازرگان با تأکید بر پیوند علوم جدید و قرآن، به‌ویژه در زمینه نظم و ساختار قرآن، فعالیت می‌کند (بازرگان، م.، ۱۳۸۶: ۲۰؛ بازرگان، ع.، ۱۳۷۲: ۱۵). این جریان از طریق آثاری مانند «سیر تحول قرآن» و «نظم قرآن» به ترویج مفاهیم قرآنی و تدبر در قرآن کریم پرداخته است. این جریان با استفاده از روش‌های علمی، به تحلیل ساختار قرآن و استخراج مفاهیم اجتماعی مانند عدالت و نظم اجتماعی پرداخته است. برای مثال، تحلیل سوره مائده درباره قراردادهای اجتماعی، به‌عنوان الگویی برای مدیریت جامعه ارائه شده است (بازرگان، م.، ۱۳۴۴: ۲۵). فعالیت‌های این جریان در محیط‌های دانشگاهی، به‌ویژه در میان دانشجویان، تأثیرگذار بوده است. با این حال، علم‌زدگی و فقدان راهکارهای عملی، از کاستی‌های این جریان است.



نقاط قوت:

۱. پیوند با علوم جدید: استفاده از روش‌های علمی برای تبیین نظم قرآن، به فهم مفاهیم اجتماعی آیات کمک کرده است. برای نمونه، تحلیل سوره مائده با استفاده از نظریه‌های قرارداد اجتماعی، به تبیین مفاهیم عدالت و همکاری در جامعه پرداخته است (بازرگان، ع.، ۱۳۷۴: ۲۰). این تحلیل در جلسات دانشجویی سال ۱۳۷۴ به بحث‌های گسترده‌ای درباره مدیریت عادلانه جامعه منجر شد.
۲. توجه به نظم قرآن: تأکید بر ساختار و نظم آیات، زمینه‌ساز استخراج جهت‌گیری‌های اجتماعی سوره‌ها بوده است. برای مثال، تحلیل سوره نساء درباره عدالت جنسیتی (آیه ۵۸)، به عنوان راهکاری برای کاهش تبعیض ارائه شده است (بازرگان، م.، ۱۳۸۶: ۲۵). این تحلیل در دوره‌های آموزشی این جریان مورد استقبال قرار گرفت.
۳. ترویج در میان دانشجویان: این جریان با برگزاری جلسات و انتشارات، در محیط‌های دانشجویی تأثیر قابل توجهی داشته است. برای نمونه، جلسات تدریسی در دانشگاه شریف در سال ۱۳۷۴ بیش از ۲۰۰ دانشجوی را جذب کرد که به تحلیل آیاتی مانند آیه ۵۸ سوره نساء پرداختند (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۳۵).

نقاط ضعف:

۱. ضعف در استدلال‌ها و اثبات مطالب: مهدی بازرگان به بحث طول متوسط آیات هر سوره و ارتباط آن با سال و زمان نزول سوره پرداخته است (بازرگان، ۱۳۸۶: ۵۴). اما نقد و بررسی مثال‌های نشان می‌دهد که اولاً چنین نظامی ساخته ذهن ماست و لزوماً قرآن بر این صدد نبوده که حتماً با توجه به گذشت زمان و سال نزول طول متوسط آیات خود را افزایش دهد و این نسبت را دقیقاً در هر سال و هر سوره رعایت نماید. ثانیاً تعریف این نسبت که باید تعداد کلمات یک سوره را تقسیم بر تعداد آیات آن کنیم نسبتی خودساخته و ذوقی است و مبنا و دلیلی برای آن ارائه نشده است.
- از دیگر موارد اشکال نسبت به این فرضیه، اگر بخواهیم نسبت یاد شده را فرض قبول کنیم، این است که موارد استثنا به خوبی نشان می‌دهد که قرآن کریم و خداوند متعال به دنبال رعایت چنین نسبتی نبوده است. بنابراین فهم شأن نزول هر آیه، کمک مؤثری در فهم محتوای آیه و پی بردن به اهداف و مقاصد عالی آن است؛ ولی این موضوع، مطلبی است که با رجوع به اسباب‌النزول - که از طریق صحیح و معتبر رسیده باشد - به دست می‌آید و راه رسیدن به آن، از قرائن و شواهد تاریخی و حدیثی - برای پیوندگان کوشا - باز است، و برای دستیابی به آن، به این

گونه تکلفات و ترسیم منحنی‌های فرضی نیاز نیست (معرفت، ۱۳۸۲، ۲: ۵۲۱).

۲. کم‌توجهی به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام): این جریان کمتر از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در تبیین مفاهیم اجتماعی استفاده می‌کند. برای مثال، در تحلیل سوره نساء، روایاتی که عدالت اجتماعی را تبیین می‌کنند، مانند حدیث امام علی (علیه‌السلام) درباره امانت‌داری، نادیده گرفته شده‌اند (موسوی، ۱۴۰۱: ۴۵). این کم‌توجهی از عمق تحلیل‌های اجتماعی می‌کاهد.

۳. علم‌زدگی در تحلیل‌های اجتماعی: استفاده بیش‌ازحد از روش‌های علوم جدید گاهی به تحلیل‌های غیرضروری و پیچیده منجر شده که از هدف اصلی تدریس اجتماعی فاصله می‌گیرد. برای نمونه، تحلیل‌های پیچیده زبانی در سوره‌های مدنی، مانند بررسی ساختارهای بلاغی در سوره بقره، گاهی باعث سردرگمی مخاطبان عمومی شده و از کاربرد عملی آیات کاسته است (محمودیان بارزی، ۱۳۹۲: ۲۵). همچنین تحلیل‌های پیچیده آماری در سوره مائده، مانند بررسی تکرار واژگان، برای مخاطبان عمومی کمتر قابل فهم است و از کاربرد عملی آیات می‌کاهد (موسوی، ۱۴۰۱: ۳۵). این علم‌زدگی نه تنها از جذابیت تحلیل‌ها برای مخاطبان عمومی می‌کاهد، بلکه مانع از تبدیل فهم قرآنی به اقدامات عملی در سطح جامعه می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت جریان تدریسی مهدی‌بازرگان و عبدالعلی‌بازرگان با تأکید بر پیوند علوم جدید و نظم قرآن، مفاهیم اجتماعی مانند عدالت را تحلیل کرده است (بازرگان، م.، ۱۳۸۶: ۲۰). نقاط قوت شامل استفاده از روش‌های علمی، توجه به ساختار سوره‌ها مانند نساء (بازرگان، ع.، ۱۳۷۴: ۲۰)، و ترویج در دانشگاه‌هاست (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۳۵). اما ضعف‌هایی نظیر علم‌زدگی، ضعف استدلال‌ها (معرفت، ۱۳۸۲: ۵۲۱)، و کم‌توجهی به روایات اهل بیت، از عمق و کاربرد عملی تحلیل‌های اجتماعی کاسته است (موسوی، ۱۴۰۱: ۴۵).

جدول شاخص‌های ارزیابی رویکرد اجتماعی در جریان‌های تدریسی:

در جدول زیر، بر اساس بررسی سایت‌های رسمی جریان‌ها، کتب و آثار منتشر شده توسط جریان‌های تدریسی، و نیز منابعی که در مورد این جریان‌ها تالیف شده، جریان‌های تدریسی بر اساس شش معیار که در چارچوب مفهومی به آنها اشاره شد مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. داده‌های کیفی (مانند سطح توجه: بالا/متوسط/کم) و کمی (مانند تعداد کتاب‌ها، شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها، و اعضای موسسه) از این منابع استخراج شده است. این جدول، به صورت مقایسه‌ای نقاط قوت و ضعف هر جریان را نشان می‌دهد.



مهدی بزرگان و عبدالعلی بزرگان	تدبر در قرآن و سیره (الهی زاده)	تدبر در کلام وحی (صبوحی طسوجی)	مدارس دانشجویی قرآن و عترت (اخوت)	کانون زبان قرآن (لسانی فشار کی)	درس‌هایی از قرآن (قرائی)	جریان معیار
متوسط (عدالت، نظم؛ کتاب‌های نظم قرآن با مقالات متعدد)	بالا (عدالت، همبستگی؛ ۱۰+ کتاب با تمرکز اجتماعی)	بالا (عدالت، اخلاق جمعی؛ کارگاه‌های سوره‌محور با ۱۰۰۰+ شرکت‌کننده)	بالا (همبستگی، اخلاق؛ تمرکز دانشگاهی با دوره‌های مجازی)	متوسط (اخلاق جمعی؛ تمرکز زبانی در ۴۰+ کارگاه)	بالا (عدالت، مسئولیت؛ رسانه ملی با میلیون‌ها مخاطب)	توجه به مسائل اجتماعی و اجرایی جامعه
بالا (علوم جدید، آمار؛ تحلیل ساختار در ۴ جلد کتاب)	متوسط (روان‌شناسی در تدبیر؛ همکاری با حوزه‌ها)	متوسط (علوم ادبی؛ دوره‌های تخصصی)	بالا (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی؛ کتابخانه الکترونیکی)	متوسط (روان‌شناسی؛ کارگاه‌های سوره‌شناسی)	متوسط (مدیریت؛ تفسیر نور با پرسش و پاسخ)	پیوند با علوم اجتماعی
متوسط (دانشگاهی؛ مقالات و سایت‌های بنیاد فرهنگی)	بالا (دوره‌های عمومی، ۳۰۰+ مربی)	بالا (۱۰۰۰+ شرکت‌کننده در کارگاه‌ها)	متوسط (دانشجویان؛ سامانه آموزشی با هزاران کاربر)	بالا (۴۰+ کارگاه، پژوهشگران داوطلب)	بسیار بالا (میلیون‌ها مخاطب، برنامه‌های هفتگی)	ترویج عمومی
کم (ارجاعات محدود؛ تمرکز علمی در مقالات)	بالا (روایات سیره اهل بیت؛ ارجاعات متعدد در کتاب‌ها)	بالا (روایات با رویکرد اجتماعی؛ ارجاعات در مجموعه‌های چندجلدی)	متوسط (روایات اجتماعی؛ ارجاعات متوسط در دوره‌ها)	متوسط (روایات؛ ارجاعات زبانی در فایل‌ها)	بالا (روایات اجتماعی؛ حکمت‌ها در برنامه‌ها)	استناد به روایات به ویژه روایات با رویکرد اجتماعی
متوسط (فهم؛ راهکارهای عملی کمتر در کتاب‌ها)	متوسط (کاربرد در زندگی؛ برنامه‌های عملی محدود با شبکه مربیان)	متوسط (فهم نظری؛ اقدامات عملی کمتر در دوره‌ها)	بالا (کاربرد عملی؛ برنامه‌های عملی در مدارس)	متوسط (فهم زبانی؛ اقدامات محدود در تحقیق‌ها)	بالا (کاربرد عملی؛ پرسش و پاسخ با مخاطبان)	عمل اجتماعی به قرآن
ضعیف (فردی؛ بنیاد فرهنگی با سایت و مقالات)	قوی (مؤسسه، انتشارات، شبکه مربیان با ۳۰۰+ عضو)	قوی (مؤسسه، انتشارات، شعب و سامانه پرسش و پاسخ)	قوی (مجمع، سامانه آموزشی، کتابخانه با هزاران منبع)	متوسط (کانون، فایل‌های آموزشی، کارگاه‌های آنلاین)	قوی (مرکز فرهنگی، سایت، برنامه‌های رسانه‌ای با میلیون‌ها دنبال‌کننده)	ساختار تشکیلاتی

این جدول نشان می‌دهد جریان درس‌هایی از قرآن در ترویج عمومی و عمل اجتماعی شاخص است (میلیون‌ها مخاطب و برنامه‌های رسانه‌ای). مدارس دانشجویی قرآن و عترت در پیوند با علوم اجتماعی پیشتاز است (با امتیاز بالا در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی). «مدارس دانشجویی قرآن و عترت» در ساختار تشکیلاتی، و موسسه «تدبر در قرآن و سیره» در استناد به روایات و ساختار تشکیلاتی قوی هستند (با شبکه مربیان و ارجاعات متعدد). کانون زبان قرآن در ترویج عمومی متوسط است، اما بزرگان‌ها در پیوند علوم اجتماعی بالا، و در ساختار ضعیف عمل کرده‌اند. این نتایج، لزوم همکاری جریان‌ها برای از بین بردن نقاط ضعف را برجسته می‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی تحلیلی رویکرد اجتماعی شش جریان برجسته تدبر در قرآن نشان دهنده دغدغه‌های متنوع این جریان‌ها در راستای ترویج فهم و عمل به قرآن کریم است. هر یک از این جریان‌ها با ویژگی‌های متمایز خود، از جمله پیوند با علوم اجتماعی، ترویج عمومی معارف قرآنی، بهره‌گیری از زبانی ساده و قابل فهم برای عموم، و ایجاد ساختارهای تشکیلاتی منسجم، به گسترش فرهنگ قرآنی در سطوح مختلف جامعه کمک کرده‌اند.

برای نمونه، برخی جریان‌ها همچون مجموعه فرهنگی «درسهایی از قرآن کریم» با بهره‌مندی از ظرفیت رسانه‌های عمومی، گفتمان قرآنی را در سطح ملی تقویت کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر همچون «مدارس دانشجویی قرآن و عترت» با تمرکز بر محیط‌های دانشگاهی، به ترویج مفاهیم قرآنی در میان قشر دانشجویی به طور خاص پرداخته‌اند. این جریان‌ها، با ایجاد بسترهای آموزشی و تعاملی، توانسته‌اند مفاهیم قرآنی را به گفتمان‌های اجتماعی پیوند دهند و زمینه‌ساز مشارکت گسترده‌تر اقشار مختلف در فهم قرآن شوند.

با وجود این نقاط قوت، کاستی‌های قابل توجهی نیز در این جریان‌ها مشاهده می‌شود که مانع از تحقق کامل ظرفیت‌های تدبر اجتماعی شده است. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به کم‌توجهی به روایات اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان منبعی غنی برای تبیین مفاهیم اجتماعی، ضعف در ارائه استدلال‌های منسجم و کاربردی برای مسائل اجتماعی، فقدان راهکارهای عملی برای تبدیل فهم قرآنی به اقدامات اجتماعی، و عدم تأکید کافی بر عمل به آموزه‌های قرآنی اشاره کرد. برای مثال، برخی جریان‌ها همچون مهدی‌بازرگان با تمرکز بیش از حد بر تحلیل‌های آماری یا رویکردهای علمی، از ارائه راه‌حل‌های عملی برای مسائل اجتماعی بازمانده‌اند. این محدودیت‌ها نشان دهنده شکافی میان فهم نظری و عمل اجتماعی است که بدون رفع آن، تأثیرگذاری عمیق و پایدار تدبر قرآنی بر هدایت جامعه محقق نخواهد شد.

به منظور ارتقای اثربخشی جریان‌های تدبری، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و عملیاتی با مسائل اجتماعی، از جمله چالش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و چگونگی حل آنها، هم‌راستا شوند. برای نمونه، طراحی کارگاه‌های آموزشی با همکاری نهادهای خیریه می‌تواند مفاهیم قرآنی مانند انفاق و عدالت را به پروژه‌های عملی کاهش فقر پیوند دهد. همچنین، تقویت همکاری میان جریان‌های مختلف تدبری، از طریق تبادل تجربیات و طراحی برنامه‌های مشترک، می‌تواند به توسعه رویکردهای اجتماعی جامع‌تر منجر شود. این اقدامات، با تأکید بر پیوند میان فهم و عمل قرآنی، می‌توانند حرکت‌های قرآنی را در جامعه تقویت کرده و به تحقق اهداف هدایتی قرآن کریم کمک کنند.



منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی جمهور. (۱۴۰۵). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم: دار سید الشهداء للنشر.
۳. ابن منظور. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۴. اخوت، احمد رضا (۱۳۹۲). آموزش روش‌های تدبیر در قرآن، جلد ۷: روش‌های تدبیر سوره‌های مدنی. تهران: قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.
۵. اخوت، احمد رضا (۱۳۹۳). فرآیندشناسی ایمان. تهران: قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.
۶. اخوت، احمد رضا (۱۳۹۶). فهم قرآن در دبستان و دبیرستان. تهران: قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.
۷. اخوت، احمد رضا (۱۳۹۸). ساختار وجودی انسان. تهران: قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.
۸. اخوت، احمد رضا و قاسمی، مریم (۱۳۹۳). ب. تفکر اجتماعی، تفکر عینی: موانع خوب زیستن با دیگران. تهران: قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.
۹. اخوت، احمد رضا و قاسمی، مریم (۱۳۹۹). اصلاح رویکرد در زمینه رجوع به قرآن. تهران: قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.
۱۰. الهی‌زاده، محمد حسین (۱۳۹۲). درسنامه تدبیر در قرآن، جزء ۳. مشهد: مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره.
۱۱. الهی‌زاده، محمد حسین (۱۳۹۳). درسنامه تدبیر موضوعی قرآن (مبادی، مبانی، روش و نمونه). مشهد: آستان قدس.
۱۲. الهی‌زاده، محمد حسین (۱۳۹۴). درسنامه تدبیر ترتیبی قرآن (مبانی، مبانی و روش). مشهد: آستان قدس.
۱۳. الهی‌زاده، محمد حسین (۱۳۹۵). درسنامه تدبیر در قرآن، جزء ۲۵-۲۴ (از سوره غافر تا سوره احقاف. حوامیم سبعه). مشهد: مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره.
۱۴. الهی‌زاده، محمد حسین (۱۳۹۶). تدبیر در قرآن برای نوجوانان (راهنمای تدریس). مشهد: مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره.
۱۵. الهی‌زاده، محمد حسین (۱۳۹۸). نظام عدالت در قرآن و سیره. مشهد: مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره.
۱۶. الهی‌زاده، محمد حسین (۱۴۰۳). درسنامه روش تدبیر در قرآن. مشهد: مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره.
۱۷. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الإسلامی.
۱۸. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۲). نظم قرآن. تهران: قلم.
۱۹. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۴). متدولوژی تدبیر در قرآن. تهران: شرکت انتشار.
۲۰. بازرگان، مهدی (۱۳۴۴). باد و باران در قرآن. قم: دار الفکر.
۲۱. بازرگان، مهدی (۱۳۸۶). سیر تحول قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. پاکتچی، احمد (۱۳۹۵). جریان‌های فهم قرآن کریم در ایران معاصر. قم: فلاح.
۲۳. پروینی، خلیل (۱۴۰۰). چپستی و چگونگی آموزش زبان قرآن (نقد گونه‌ای بر طرح و نظریه آموزش زبان قرآن دکتر محمد علی لسانی). مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، ۴(۲)، ۳۰.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اِسرائ.
۲۵. خامه‌گر، محمد (۱۳۹۷). تفسیر ساختاری قرآن کریم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۷۹). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی.
۲۷. سرحان، محمد. (۱۳۹۹). تدبیر در قرآن: مفاهیم و روش‌ها. تهران: انتشارات نور هدایت.
۲۸. سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغة. قم: دار الهجرة.
۲۹. شریفی، علی (۱۳۹۹). جریان‌شناسی مطالعات قرآنی معاصر. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. صبوحی طسوجی، حسین (۱۳۹۴). پایان‌نامه: آسیب‌شناسی تدبیر در قرآن. دانشگاه قرآن و حدیث: دانشکده علوم حدیث قم.

۳۱. صبحی طسوجی، علی (۱۳۸۸). روش تدبر در سوره‌های قرآن کریم. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳۲. صبحی طسوجی، علی (۱۳۹۵). تدبر در قرآن کریم (ج ۱-۶). قم: مؤلف.
۳۳. صبحی طسوجی، علی (۱۳۹۷). نگاهی به نهضت حسینی در پرتو تدبر در قرآن کریم. قم: مؤلف.
۳۴. صبحی طسوجی، علی (۱۴۰۰). آشنایی با دانش تدبر در قرآن کریم. قم: مؤسسه تدبر در کلام وحی.
۳۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱-۲۰). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۶. عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۹۱). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم. قاهره: دار الحدیث.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: دار الهجره.
۳۸. قرآتی، محسن (۱۳۸۷). تمثیلات تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۹. قرآتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور (ج ۱-۱۰). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۰. قرآتی، محسن (۱۳۸۹). دقائقی با قرآن. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۱. قرآتی، محسن (۱۳۹۲). سیمای سیاست در قرآن. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۲. قرآتی، محسن (۱۳۹۸). مبانی قرآنی گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: ستاد اقامه نماز.
۴۳. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۸). قاموس القرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۴. کریمی، محمود و سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۳). ریشه‌شناسی واژه قرآنی (تدبر). مطالعات قرآن و حدیث، ۱۵(۱)، ۱۵.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۶. گروهی از نویسندگان (۱۳۹۹). دائرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
۴۷. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۷۹). آموزش زبان قرآن. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۸. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۹۹). تفسیر ترتیبی قرآن کریم. تهران: صد و چهارده.
۴۹. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۴۰۱). تفسیر روحانی. تهران: عروج.
۵۰. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۴۰۲). اسلام محمدی به روایت نهضت حسینی. تهران: صد و چهارده.
۵۱. لسانی فشارکی، محمد علی؛ غفاری، مهدی (۱۳۹۰ش). آموزش زبان قرآن، تهران: دفتر انتشارات زینی.
۵۲. لسانی فشارکی، محمد علی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۳). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
۵۳. لسانی فشارکی، محمد علی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۳). مطالعات قرآنی در سیره نبوی، تهران: صد و چهارده.
۵۴. لسانی فشارکی، محمد علی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۴). سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم)، قم: نصابیح.
۵۵. محمودیان بارزی، ریحانه (۱۳۹۲). پایان‌نامه: آسیب‌شناسی روش‌های تدبر در قرآن. دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۵۶. مرادی زنجانی، حسین. (۱۳۹۸ش). روش‌ها و شیوه‌های تدبر در قرآن کریم. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۲ش). تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ پنجم.
۵۸. مقامی، مهدی (۱۳۹۵). سیمای تدبر در قرآن. مشهد: تدبر در قرآن و سیره.
۵۹. مقامی، مهدی (۱۳۹۶). تدبر در قرآن از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی. مشهد: تدبر در قرآن و سیره.
۶۰. موسوی، سیده فاطمه (۱۴۰۱). تحلیل و نقد روش تفسیری عبدالعلی بازرگان. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۱(۱)، ۳۵.
۶۱. نصرتی، حمید (۱۳۹۶). پایان‌نامه: بررسی و نقد دو شیوه رایج تدبر در قرآن در ایران. دانشگاه علامه



- طباطبائی: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۶۲. نظری، عبدالله (۱۴۰۰) عنوان: تحلیل شاخص های عدالت سیاسی در رویکرد تفسیری آیت الله جوادی آملی. ناشر: مطالعات قرآن و علوم (دوره ۴، شماره ۸).
۶۳. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۷۴). پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن کریم. تهران: اسوه.
۶۴. نقی پورفر، ولی الله. (۱۳۹۵). قرآن و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات حکمت.
۶۵. ورام، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰). مجموعه ورام. قم: مکتبه الفقیه.

منابع اینترنتی:

۱. سایت بیانات مقام معظم رهبری به نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/speech>.
۲. سایت جامعه مجازی تدبر در قرآن کریم: <https://tadabor.org>
۳. سایت مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن: <https://quranlsn.ir/works/course/?uuiid=5469ed01-888c-11ee-a9c0-0050569caf39/%D8%B3%D8%AE%D9%86%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%87-%D9%87%D8%A7>
۴. سایت مدرسه دانشجویی قرآن و عترت به نشانی: https://quranetratschool.ir/?page_id=545
۵. سایت مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن: <https://gharaati.ir/category/%d8%af%d8%b1%d8%b3-%d9%87%d8%a7%db%8c%db%8c-%d8%a7%d8%b2-%d9%82%d8%b1%d8%a2%d9%86/>
۶. سایت مهندس عبدالعلی بازرگان: <http://bazargan.com/abdolali>
۷. سایت مؤسسه تدبر در کلام وحی به نشانی: <https://tadaborpub.ir/product-category/%da%a9%d8%aa%d8%a7%d8%a8/>
۸. سایت مؤسسه تدبر در قرآن و سیره به نشانی: <https://mftqs.ir/about-us>
۹. سایت انتشارات تدبر در قرآن و سیره: <https://book-tadabor.ir/book-category/%d8%aa%d8%af%d8%a8%d8%b1-%d8%af%d8%b1-%d9%82%d8%b1%d8%a2%d9%86/page/2>

مصاحبه ها:

۱. مصاحبه با حجة الاسلام عباس صبوحي طسوجی، عضو هیئت مدیره مؤسسه تدبر در کلام وحی، در تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۱.
۲. مصاحبه با حجة الاسلام مهدی مقامی، مدیر مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره، در تاریخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷.
۳. مصاحبه با حجة الاسلام محسن قرائتی، مؤلف تفسیر نور، در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲.
۴. مصاحبه با حجة الاسلام متوسل، عضو هیئت تألیف تفسیر نور، در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۹.
۵. مصاحبه با دکتر حسین مرادی زنجانی، دکتر اکبر سعیدی و مهندس صادق حامدی، مسئولان کانون زبان قرآن، در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۴.



دوره چهارم
شماره اول
پیاپی: ۷
بهار و تابستان
۱۴۰۴

Resources:

Books and Articles:

1. The Holy Quran
2. Abdul Baqi, Mohammad Fu'ad. (1391 SH). Al-Mu'jam al-Mufahras li-Alfaz al-Quran al-Karim. Cairo: Dar al-Hadith.
3. Akhavat, Ahmad Reza. (1392 SH). Education of Quranic Tafsir Methods, Vol. 7: Methods of Tafsir for Medinan Surahs. Tehran: Quran and Ahl al-Bayt Nubuwwah (AS).
4. Akhavat, Ahmad Reza. (1393 SH). The Process of Faith. Tehran: Quran and Ahl al-Bayt Nubuwwah (AS).
5. Akhavat, Ahmad Reza. (1396 SH). Understanding the Quran in Elementary and High Schools. Tehran: Quran and Ahl al-Bayt Nubuwwah (AS).
6. Akhavat, Ahmad Reza. (1398 SH). The Existential Structure of Human Beings. Tehran: Quran and Ahl al-Bayt Nubuwwah (AS).
7. Akhavat, Ahmad Reza, & Qasemi, Maryam. (1393b SH). Social Thinking, Objective Thinking: Obstacles to Living Well with Others. Tehran: Quran and Ahl al-Bayt Nubuwwah (AS).
8. Akhavat, Ahmad Reza, & Qasemi, Maryam. (1399 SH). Reforming the Approach to Referring to the Quran. Tehran: Quran and Ahl al-Bayt Nubuwwah (AS).
9. Amidi, Abdul Wahid ibn Muhammad. (1410 AH). Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
10. Bazargan, Abdolali. (1372 SH). The Order of the Quran. Tehran: Qalam.
11. Bazargan, Abdolali. (1374 SH). Methodology of Quranic Tafsir. Tehran: Sherkat-e Enteshar.
12. Bazargan, Mehdi. (1344 SH). Wind and Rain in the Quran. Qom: Dar al-Fikr.
13. Bazargan, Mehdi. (1386 SH). The Evolution of the Quran. Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.
14. Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1392 SH). Textbook of Quranic Tafsir, Juz' 30. Mashhad: Institute of Tafsir in Quran and Sirah.
15. Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1393 SH). Textbook of Thematic Quranic Tafsir (Fundamentals, Principles, Methods, and Examples). Mashhad: Astan Quds.
16. Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1394 SH). Textbook of Sequential Quranic Tafsir (Fundamentals, Principles, and Methods). Mashhad: Astan Quds.
17. Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1395 SH). Textbook of Quranic Tafsir, Juz' 24-25 (From Surah Ghafir to Surah Ahqaf: The Seven Hawamim). Mashhad: Institute of Tafsir in Quran and Sirah.
18. Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1396 SH). Quranic Tafsir for Teenagers (Teaching Guide). Mashhad: Institute of Tafsir in Quran and Sirah.
19. Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1398 SH). The System of Justice in the Quran and Sirah. Mashhad: Institute of Tafsir in Quran and Sirah.
20. Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1403 SH). Textbook of Quranic Tafsir Methods. Mashhad: Institute of Tafsir in Quran and Sirah.
21. Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1409 AH). Kitab al-'Ayn. Qom: Dar al-Hijra.
22. Ibn Abi Jumhur. (1405 AH). 'Awali al-La'ali al-'Aziziyya fi al-Ahadith al-Diniyya. Qom: Dar Sayyid al-Shuhada lil-Nashr.
23. Ibn Manzur. (1414 AH). Lisan al-'Arab. Beirut: Dar al-Fikr lil-Tiba'a wa al-Nashr wa al-Tawzi'.
24. Javadi Amoli, Abdullah. (1393 SH). Tafsir Tasnim. Qom: Isra Publication Center.
25. Karimi, Mahmoud, & Salmannejad, Morteza. (1393 SH). Etymology of the Quranic Word (Tadabbur). Quranic and Hadith Studies, 8(1), 15.
26. Khamegar, Mohammad. (1397 SH). Structural Interpretation of the Holy Qu-

- ran. Qom: Research Institute of Hawza and University.
27. Kulayni, Mohammad ibn Ya'qub. (1407 AH). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
 28. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali. (1379 SH). Teaching the Language of the Quran. Tehran: Imam Sadiq University.
 29. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali. (1399 SH). Sequential Interpretation of the Holy Quran. Tehran: Sad-o-Chahar.
 30. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali. (1401 SH). Spiritual Interpretation. Tehran: Urouj.
 31. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali. (1402 SH). Muhammadi Islam as Narrated by the Husayni Movement. Tehran: Sad-o-Chahar.
 32. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali, & Ghaffari, Mehdi. (1390 SH). Teaching the Language of the Quran. Tehran: Zaini Publications.
 33. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali, & Moradi Zanjani, Hossein. (1393 SH). Thematic Research Method in the Holy Quran. Qom: Buṣṭān-e Ketāb.
 34. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali, & Moradi Zanjani, Hossein. (1393 SH). Quranic Studies in the Prophetic Sirah. Tehran: Sad-o-Chahar.
 35. Lesani Fesharaki, Mohammad Ali, & Moradi Zanjani, Hossein. (1394 SH). Surah Studies (Structural Research Method in the Holy Quran). Qom: Nasayeh.
 36. Mahmoudian Barzi, Reyhaneh. (1392 SH). Dissertation: Pathology of Quranic Tafsir Methods. University of Isfahan: Faculty of Literature and Humanities.
 37. Ma'rifat, Mohammad Hadi. (1382 SH). History of the Quran. Tehran: Samt, 5th ed.
 38. Moghami, Mehdi. (1395 SH). The Image of Tafsir in the Quran. Mashhad: Tafsir in Quran and Sirah.
 39. Moghami, Mehdi. (1396 SH). Quranic Tafsir from the Perspective of the Supreme Leader of the Islamic Revolution. Mashhad: Tafsir in Quran and Sirah.
 40. Moradi Zanjani, Hossein. (1398 SH). Methods and Approaches to Quranic Tafsir. Qom: Research Institute of Hawza and University.
 41. Mousavi, Sayyedeh Fatemeh. (1401 SH). Analysis and Critique of Abdolali Bazargan's Interpretive Method. Journal of Tafsir and Quranic Language Studies, 11(1), 35.
 42. Naqipourfar, Valiollah. (1374 SH). A Study on Quranic Tafsir. Tehran: Osveh.
 43. Naqipourfar, Valiollah. (1395 SH). The Quran and Islamic Civilization. Tehran: Hekmat Publications.
 44. Pakatchi, Ahmad. (1395 SH). Trends in Understanding the Holy Quran in Contemporary Iran. Qom: Falah.
 45. Parvini, Khalil. (1400 SH). The Nature and Methods of Teaching the Language of the Quran (A Critique of Dr. Mohammad Ali Lesani's Theory and Plan for Teaching the Language of the Quran). Quranic Stylistic Studies, 4(2), 30.
 46. Qara'ati, Mohsen. (1387 SH). Parables of Tafsir Noor. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
 47. Qara'ati, Mohsen. (1388 SH). Tafsir Noor (Vols. 1-10). Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
 48. Qara'ati, Mohsen. (1389 SH). Moments with the Quran. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
 49. Qara'ati, Mohsen. (1392 SH). The Image of Politics in the Quran. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
 50. Qara'ati, Mohsen. (1398 SH). Quranic Foundations of the Second Phase of the Islamic Revolution. Tehran: Prayer Establishment Headquarters.
 51. Qureshi, Sayyid Ali Akbar. (1378 SH). Qamus al-Quran. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

52. Sabuhi Tasuji, Ali. (1388 SH). Quranic Tafsir Method for Surahs of the Holy Quran. Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution.
53. Sabuhi Tasuji, Ali. (1395 SH). Quranic Tafsir (Vols. 1-6). Qom: Self-published.
54. Sabuhi Tasuji, Ali. (1397 SH). A Look at the Husayni Movement Through the Lens of Quranic Tafsir. Qom: Self-published.
55. Sabuhi Tasuji, Ali. (1400 SH). Introduction to the Science of Quranic Tafsir. Qom: Institute of Tafsir in the Word of Revelation.
56. Sabuhi Tasuji, Hossein. (1394 SH). Dissertation: Pathology of Quranic Tafsir. University of Quran and Hadith: Faculty of Hadith Sciences, Qom.
57. Sarhan, Mohammad. (1399 SH). Quranic Tafsir: Concepts and Methods. Tehran: Noor-e Hedayat Publications.
58. Sayyid Razi, Mohammad ibn Husayn. (1414 AH). Nahj al-Balagha. Qom: Dar al-Hijra.
59. Tabataba'i, Sayyid Mohammad Hossein. (1390 SH). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (Vols. 1-20). Beirut: Al-A'lami Press.
60. Warram, Mas'ud ibn Isa. (1410 AH). Warram Collection. Qom: Maktabat al-Faqih.
61. Zamakhshari, Mahmud ibn Umar. (1979). Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

Online Resources

1. Virtual Community of Quranic Tafsir: <https://tadabor.org/>
2. Website of Engineer Abdolali Bazargan: <http://bazargan.com/abdolali/>
3. Website of the Cultural and Artistic Institute for the Promotion of Quranic Language: <https://quranlsn.ir/works/course/?uuid>
4. Website of the Cultural Center of Lessons from the Quran: <https://gharaati.ir/category>
5. Website of the Institute of Tafsir in Quran and Sirah: <https://mftqs.ir/about-us/>
6. Website of Tafsir in Quran and Sirah Publications: <https://book-tadabbor.ir/book-category>
7. Website of the Institute of Tafsir in the Word of Revelation: <https://tadabborpub.ir/product-category>
8. Website of the Student Quranic and Itrat School: https://quranetratschool.ir/?page_id=545
9. Website of the Supreme Leader's Speeches: <http://farsi.khamenei.ir/speech>

Interviews

1. Interviews (Sorted Alphabetically by Interviewee, with Dates Converted to Gregorian Calendar):
2. Interview with Dr. Hossein Moradi Zanjani, Dr. Akbar Saecidi, and Engineer Sadeq Hamedi, Officials of the Quranic Language Institute, on May 14, 2024.
3. Interview with Hujjat al-Islam Abbas Sabuhi Tasuji, Member of the Board of Directors of the Institute of Tafsir in the Word of Revelation, on January 21, 2025.
4. Interview with Hujjat al-Islam Mehdi Moghami, Director of the Cultural Institute of Tafsir in Quran and Sirah, on September 29, 2024.
5. Interview with Hujjat al-Islam Mohsen Qara'ati, Author of Tafsir Noor, on June 12, 2024.
6. Interview with Hujjat al-Islam Motavassel, Member of the Editorial Board of Tafsir Noor, on May 29, 2024.